

سید علی حامنه امی
سید محمد حسین هشتی

طرف مبارزه

امروز کجاست؟

در يك كاروان آنكه صبح زودتر از
همه از خواب برمی خیزد و دیگران را بیدار می کند و راه را بهتر
از همه می شناسد از خطرها نمی هراسد جلوتر از همه حرکت
می کند يك میدان از همه پیشی می گیرد ، شب دیرتر از همه فرود
می آید ، دیرتر از همه می خوابد و غم همه را می خورد ، راه
را می گشاید ، خفتگان را بیدار می کند ، در راه ماندگان و از راه
افتادگان را تشویق می کند او رهبر است . چه بگویند و چه نگویند .
چه نام رهبر بر او بگذارند و چه نگذارند .

سید علی خامنه‌ای:

طرف مبارزه

امروز کیست؟

- * آغاز اوج نهضت
- * صبر بزرگ در برابر شهادت بزرگ
- * لطف خفی الهی
- * انسانی والا، نشان داد که رهبر است.
- * بزرگترین جرمها طرفداری او بود.
- * هر جا روحانیت حرکت کند ملت هم حرکت میکند
- * رهبری امری قرار دادی نیست
- * امام رهبری خود را در عمل ثابت کرد
- * انقلاب ایران بزرگترین ضربه را برد از ابرقدرتها وارد کرد.
- * طرف مبارزه امروز کیست.
- * باید عمق دشمنی را شناخت
- * توطئه جهانی
- * ما ملت را بیدار خواهیم کرد.
- * امام و سیاستمداران.
- * توطئه با همه ابعاد به سوی این انقلاب در حرکت است.
- * مبارزه ما با ایمان پیش رفت.

آنچه میخوانید سخنرانی برادر، سید
علی خامنه‌ای است. در مسجد اعظم
قم به یاد دومین سالگرد شهادت حاج
آقا مصطفی خمینی.

۵۸/۲/۳۰

تسلیم شدند . ملت ایران توانست این فریاد را که دنیانا باورانه به آن می‌نگریست و به آن می‌اندیشید تا اعماق زوایای جهان غرب برساند . ملت ایران ثابت کرد که این رهبر را می‌شناسد ، او را می‌پسندد او را با همه وجود دوست می‌دارد .

او برای ملت ایران از همه چیز و همه کس عزیزتر است و امشب سالگرد درگذشت و شهادت فرزند برومند عالیقدر اوست . ملت ایران رهبر خود را بزرگ می‌شمارد و خاطرۀ غم‌انگیز این شهادت را ارج می‌نهد ، عزاداری می‌کند ، این را به عنوان نقطه عطفی در تاریخ می‌شمارد و به آن ارج می‌نهد .

صبر بزرگ در برابر شهادت بزرگ

از سوی دیگر این خاطرۀ بزرگ از جنبۀ انتصاب به این رهبر که بگذرد يك حادثه تاریخی است . فراموش نکرده‌اند مردم مسلمان ما که در دو سال قبل پیش از اینکه این حادثه بوقوع پیوندد وضع سیاسی ایران چگونه بود . صف بیدیها چگونه بود . فراموش نکرده‌اند که مبارزان راستین و بحق در چه وضعیت دشواری به سر می‌بردند دل‌های پر محبت و پر صمیمیت مردم به یاد این انقلاب ، به یاد این رهبر و به یاد مبارزان راستین می‌طپد اما مبارزان راستین تنها بودند . ملت اگر چه بالقوه در خط انقلاب بود اما این اقیانوس هنوز آنچنان که باید متلاطم نشده بود . به تلاطم آوردن يك اقیانوس کار

آغاز اوج نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم

بزرگداشت خاطرۀ پرشکوه شهادت فرزند برومند رهبر عزیز ما از دو نظر برای ما هیجان‌انگیز است . از دو نظر برای ما وظیفه است . نخست از این نظر که فرزند و پاره‌تن و جگر گوشه رهبر ماست . ملت ایران ثابت کرده است که رهبر خود را از همه چیز از همه کس ، از همه‌انگیزه‌ها ، از همه‌جهت‌گیریها بیشتر دوست می‌دارد . ثابت کرده است که قدر رهبرش را میداند . این فریاد را ملت ما آنچنان در فضای خفه و مه‌آلود و مسموم جهان‌طنین‌انگیز و رعد آمیز ادا کرد که حتی دشمنان هم نتوانستند در بسارۀ آن اندک تردیدی به خود راه بدهند . آنها که نمی‌توانستند رهبری بزرگترین انقلاب نیم قرن اخیر را در سطح جهان ، قرن‌انقلابها و جنبشها و جوشها و جهشها در اختیار مردی روحانی ، مردی آسمانی ، در اختیار این امام و رهبر بزرگ ببینند و این واقعیت را بپذیرند نیز در مقابل فریاد رعد آسای ملت ایران خاضعانه

مشکلی است. يك استخر را هر انسانی میتواند به تلاطم بیاورد
در او موج ایجاد کند اما يك اقیانوس را فقط طوفانهای سهمگین
می توانند تکان بدهند.

این طوفان سهمگین حادثه‌ای بود که در دو سال قبل
اتفاق افتاد يك شهادت بزرگ و در برابر آن يك صبر بزرگ

لطف خفی الهی

در حالیکه زن و مرد ما از اندوه این حادثه بزرگ می‌گریستند. در حالتی
که دوستان و آشنایان و حتی ناآشنایان عظمت و عمق حادثه را درک
می‌کردند و دردمندان زبان به افسوس می‌گشودند پیام رهبر از فرسنگها
راه بایک دنیا می‌رسید و رسید. این دل بزرگ. این روح بزرگ
این روح خدا با صبوری بزرگ به این حادثه شکوه ابدی بخشید.
مرکب مصطفی لطف خفی الهی بود. این است برداشت يك انسان الهی
و يك انسان ملکوتی، رهبری که بر دلها حکومت می‌کند پیش از آنکه بر
ذهنها رهبری که صبرش، منش انسانی و روحانی و عرفانی اش دلهای
سنگ دلترین انسانها را هم تحت نفوذ در می‌آورد. این دیگر در قالب
هیچ فرمول مادی قابل گنجایش نیست. آنها که در مسائل ایران
انگشت بدهان و متعجب مسانده‌اند. باید بدانند که برای تحلیل
حوادث ایران، برای تحلیل مبارزه ایران، برای شناختن این جریان
بزرگ و این حادثه بزرگ همه این گوشه‌های ناشناخته را باید

شناخت.

انسانی والا نشان داد که رهبر است

گمان نکنند که رهبری این امت، رهبری اسلامی، رهبری
معنوی، رهبری روحانی، آن نفوذ کلام، آن توکل بی‌پایان
قابل مقایسه با رهبریهای دیگر است. قابل تقلید است. نه قابل
تقلید نیست. این صبر بزرگ در مقابل این حادثه بزرگ ملت را تکان
داد. این اقیانوس را به تلاطم آورد. خود حادثه می‌توانست بزرگ
باشد اما منش این پدر در مقابل این حادثه او را ده چندان بزرگ
کرد. ملت ناگهان خمینی خود را شناخت. روحهای بزرگ و
دشوار و تسخیرناپذیر در مقابل این روح بزرگتر به زانو درآمدند.
همه آما و صدقنا گفتند. نشان داد که رهبر است نشان داد که
ابرمرد است. نشان داد که انسانی والا است و حادثه آغاز شد.
تحلیل درست حوادث ایران اینست و جز این نیست. جریانهای
سیاسی دنیا، جریانهای عظیمی که در ارگانهای بسالای
امپراطوریهای قدرت سیاسی بوجود آمد. برای همه روشن و قابل
توجیه است. اما این مسائل همه جا بوجود آمد. تا هر جایی که
در طیف قدرت و نفوذ امپریالیسم آمریکا بود و باید حوادث
اثر می‌بخشید، چرا در ایران این اثر را بخشید؟ تمام حوادثی
که در جهان اتفاق می‌افتاد که ساده اندیشان و ساده لوحان و

فرمولهای کهنه گرایان مایلند حوادث ایران و جنبش عظیم و عمومی ایران را با آن تحلیل کنند . هیچ کدام کافی نبود که يك ملت را آنهم با آن فرهنگ استعماری ، آنهم با پنجاه سال نظام اختناق و فشار پهلوی این گونه به حرکت در بیاورد . يك عامل معنوی لازم بود . يك عامل روحانی لازم بود . يك قدرت نمایی خدای گونه لازم بود . ملت ایران ناگهان در مقابل این حادثه و عظمتش احساس کرد که عمق درد و عمق فاجعه ای که بر ایران می گذرد چه اندازه است .

بزرگترین جرمها طرفداری او بود

ملت احساس کرد که باید به این رهبر اظهار وفاداری کند . کسی که چهارده سال است عکسش ، نامش ، رساله اش ، یارانش افکارش و عقایدش همه در این مملکت قاچاق معرفی شده است . کسی که بزرگترین جرمها طرفداری اوست . کسی که دشمنان جهانی با تجربه خود و با استفاده از دستگاهها و سرویسهای اطلاعاتی خود بدرستی تشخیص داده اند که دشمن واقعی و نهایی آنان در ایران اوست . او اکنون در صحنه ظاهر شده است . مردم ناگهان در محبت او ، در طرفداری او ، در اخلاص و اظهار صمیمیت نسبت به او احساس وظیفه کردند . احساس انگیزه و انگیزش کردند . مردم حرکت کردند .

دستگاه جبار ناگهان در مقابل يك حادثه حساب نشده قرار گرفت . او نمی اندیشید که يك شهادت اینگونه مردم را حرکت بدهد . مغزهای حسابگر ساواک و سیا و موساد نمی توانستند عمق مسئله را درك کنند . گوشه های روحانی و معنوی آنرا ببینند . فکر نمی کردند حادثه این همه با عکس العمل عظیم روبرو شود .

هر جا روحانیت حرکت کند ملت هم حرکت میکند

فکر کردند باید این نام را ، این چهره منور را در مقابل مردم ساقط کنند و آن مقاله را نوشتند . قم قیام کرد . ملت قیام کرد . ملت در قم متبلور بود . روحانیت نهاد سمبلیک ملت است . هر جا روحانیت حرکت می کند ملت هم حرکت می کند . در هر جهتی که روحانیت مترقی و محبوب گام می گذارد . ملت گام می گذارد . این واحدی که بنام حوزه علمیه در شهر طیب قم پابرجاست فقط يك دانشگاه نیست او را فقط يك دانشگاه ندانید مجمع پرورشگاه رهبران فکری و شرعی و مذهبی و اسلامی این امت است .

هر طلبه کوچکی ، هر طلبه کم سن و سالی که در مدرسه ای درس می خواند برای اینکه فقیهی بشود بر طبق بافت اصیل جامعه ایرانی و اسلامی و شیعی ، بالقوه يك رهبر است . اینجا مرکز

پرورش رهبران فکری است . مجموعه‌ای است از آن کسانی که در راه پیامبران گام برمی‌دارند . مجموعه‌ای است از کسانی که می‌خواهند « العلماء ورثه الانبیاء » بشوند . هر جا که حوزه علمیه قم می‌رود در حقیقت ملت ایران می‌رود . این هم يك محاسبه است . يك محاسبه دقیق که باز با فرمولهای عادی جامعه‌شناسان مادی تطبیق نمی‌کند .

آنچه می‌گوییم روحانیت‌گرایی و آخوند‌گرایی نیست این دیدن يك واقعیت است . يك طلبه در يك شهر ، در يك ده ، در يك مملکت ، در يك استان چه میکند . این زبان سخنور ، این دل پارسا ، این جسم بی‌توقف ، این موجودی که به کم‌قانع است برای اینکه بارزیادی را بردوش بگیرد او در اینجا چه می‌کند او می‌آموزد ، چه می‌آموزد؟ دین ، دین چیست؟ اصیل‌ترین نهادی که بر روح و بر ذهن انسانها در این مملکت بحمدالله همچنان حاکم است و البته حاکم خواهد بود .

وقتی قم قیام‌میکند . یعنی ملت قیام‌میکند . قم را يك شهر کوچک صد هزار نفری و دویست هزار نفری ندانید . حوزه علمیه را يك دانشگاه ده هزار نفری و پانزده هزار نفری ندانید او جام‌جهان بینی است که همه ملت را باید در آن ببینید .

قم قیام کرد ، ایران قیام کرد . تبریز کشته داد . یزد کشته داد . اصفهان کشته داد . ملت سخاوتمندانه خون داد و جان داد .

گردونه جنبش ، گردونه انقلاب به غلطک افتاد . حادثه‌ها در پی یکدیگر ، تضاد درونی . دستگاه حاکم را تشدید کردند . جنبش اسلامی را تسریع کردند . دستگاه جبار در وضعی قرار گرفته بود که به هر طرف می‌چرخید و می‌گردید می‌خورد . برای او راه پیش و راه پس وجود نداشت . در تضادی گیر کرده بود .

رهبری امری قراردادی نیست

دیدید چگونه دولت‌ها یکی پس از دیگری آمدند و امام از دور رهبری می‌کرد و رهبر یعنی این . رهبر یعنی آن انسان والا و بزرگی که می‌تواند در لحظه‌های مناسب خواهشهای طبیعی تاریخ را بفهمد . خواسته‌های طبیعی انسان را بداند . دردها را مانند طبیعی بشناسد .

و برای آنها درمان مناسب را بفهمد و پیشنهاد کند؛ رهبر یعنی این . رهبر یعنی آن انسان والا‌یی که می‌داند و بر طبق بینش و دانش خود عمل می‌کند . آنکه می‌فهمد در هر زمانی به چه احتیاج هست . در هر لحظه‌ای از لحظات تاریخ چه عملی ، عمل صالح هست و امام خمینی بدرستی و به راستی رهبری کرد . در هر لحظه مناسب آن تکان مناسب را به این امت داد . پاسخ مناسب را به خواسته‌های این امت داد .

رهبری يك امر قراردادی نیست که جمعی بنشینند و کسی را

بعنوان رهبر انتخاب کنند! در يك كاروان آنكه صبح زودتر از همه از خواب برمی خیزد و دیگران را بیدار می کند و راه را بهتر از همه می شناسد از خطرهای نمی هراسد جلوتر از همه حرکت می کند يك میدان از همه پیشی می گیرد ، شب دیرتر از همه فرود می آید ، دیرتر از همه می خوابد و غم همه را می خورد ، راه را می گشاید ، خفتگان را بیدار می کند ، در راه ماندگان و از راه افتادگان را تشویق می کند او رهبر است . چه بگویند و چه نگویند . چه نام رهبر بر او بگذارند و چه نگذارند .

امام رهبری خود را در عمل ثابت کرد

رهبری يك امر طبیعی و فطری است و امام رهبری خود را در عمل ثابت کرد . رهبری خود را بر همه ذننها ثابت کرد . دشمن و آنکسی را که نمی توانست روحانی را ببیند و رهبریش را بفهمد ، امام را ببیند و رهبریش را بشناسد ، خاضع گردد در مقابل رهبری خود و امت را به حرکت درآورد . از ملت یعنی از این جمع پریشان و مشتت يك امت ساخت . يك امت جمعی انسان خطی روشن به سوی هدفی واضح با گامی استوار در حرکت او امت ساخت ، پس برستی امام امت بود و این امامت ادامه پیدا کرد ، این رهبری لحظه به لحظه مردم را بیدارتر و مصمم تر کرد و مرحبا و آفرین بر این ملت و امت سخاوتمند بر این امت و ملت

راستگو و بر این امتی که شایسته بود ، پاسخ گفت و پیش رفت و به اینجا رسانید .

انقلاب ایران بزرگترین ضربه را بر دژ ابر قدرتها وارد کرد

این حادثه از بزرگترین حوادثی بود که انسان می تواند با توجه به ابعاد گوناگون در طول تاریخ قرن اخیر و حداقل نیم قرن اخیر آنرا بدینا معرفی کند . جنبشهای زیادی را دیده ایم . در آسیای جنوب شرقی و آسیای شرقی و در افریقا و خاورمیانه و جنبشها در خود ایران بسیار دیدیم . برگها و ورقها پشت سرهم گشتند . جنبشها و حرکتها و ابرمردها را نشان داده اند اما این ماجرای دیگری بود . جنبش و انقلاب ایران چه کرد؟ بزرگترین ضربه را بر بزرگترین دشمنان اقتصادی و سیاسی امپریالیزم و تمام ابرقدرتهای شرق و غرب وارد کرد . همچنانکه در دوران حکومت فاسد قاجار موازنه مثبت در ایران بود یعنی میان قدرتها و قدرت مندانهائی که می خواستند از ایران قطعه ای ببرند از این سفره گسترده چیزی ببلعند ، حکام فاسد قاجار در مقابل اینها سخاوتمندانه دست بساز می کردند ، لقمه ای به روس ، لقمه ای به انگلیس ، باز روس در مقابل لقمه دیگری طلب می کرد و بهانه گیری می کرد و خلاصه ...

در زیر سایه شوم سیاست آمریکا در سی سال اخیر ایران ،
در چنین وضعی قرار داشت همه چیز ایران را همه کس بردند .
درست است که غارتگر بزرگ امپریالیزم آمریکا بود ، درست است
که دشمن مباشر به مصداق قرآن قاتل والذین . . . آن دشمنی که
سینه به سینه با ما می جنگید آمریکائیان بودند و امام اینرا در سال
۴۲ یا ۴۳ گفتند که امروز منفورترین مردم در چشم ملت ایران
رئیس جمهور آمریکا است این سخن امام در ۱۶ سال قبل است
این درست اما دشمن ایران در آمریکا خلاصه نمی شد . ابرقدرتها
همه در مقابل انقلابی که رژیم فاسد گذشته را ریشه کن می کرد
جبهه گیری کردند و حادثه آغاز شد حادثه ای که عکس العمل و رد
فعل حادثه انقلاب ایران بود .

طرف مبارزه امروز کیست ؟

برادران و خواهران عزیز مسئله امروز ایران مسئله تداوم
يك انقلاب بزرگ بی نظیر است . تداوم انقلاب یعنی چه ؟ نام ادامه
انقلاب را ما بر زبان جاری می کنیم ، همه تکرار می کنیم اما
ادامه انقلاب یعنی ادامه مبارزه . انقلاب بدون مبارزه ممکن نیست
و مبارزه باید ادامه پیدا کند .

طرف مبارزه کیست ؟ البته طرف مبارزه علی الظاهر ممکن
است امروز تفاوت کند . اما در باطن طرف مبارزه ملت ایران

آن جبهه ای است که تا دیروز ملت ایران با آن می جنگید یعنی
قدرت و سلطه امپریالیزم جهانی . ملت باید با او مبارزه کند .
چگونه ؟ باید شیوه های دشمنی او را بشناسد و آن را خنثی بکند
باید شیوه های دشمن را بشناسد . که رسول خدا فرمود : اگر ما
زمان خود را بشناسیم جریان های سیاسی حاکم بر زمان را بشناسیم .
آنوقت توطئه ها را خواهیم شناخت . دشمنها را ولسو در لباس
دوست خواهیم دید و خواهیم شناخت . این وظیفه ملت ایران
است . این وظیفه رهبران و روحانیت و روشنفکران است که
بجای یسار و سرایی ، بجای بهم پریدن ، بجای یکدیگر را تخطئه
کردن و بجای با بردن نام امام عملا در خط مقابل امام قرار
گیرند و علیرغم آنکه امام اینهمه مردم را به وحدت کلمه و صفوف
توصیه کرده اند ، صفوف را از یکدیگر جدا کنند و تفرقه ایجاد
کنند سعی کنند به ذهن ، دل و بینش مردم عمق سیاسی بدهند و به مردم
بفهمانند در دنیا چه خبر است تا مردم گمان نکنند که مبارزه تمام شده .

باید عمق دشمنی را شناخت

بخدا مبارزه تمام نشده ، بنده تردید دارم که سخت ترین
میدان مبارزه این ملت در طول ۱۵ سال اخیر در آینده نباشد .
بنده تردید دارم که لیلۃ الحریر این جنگ طولانی گذشته باشد ، ملت
مسلمان ایران اگر می خواهد از اسلامش ، آرمانهایش ، دینش ،

شرفش ، استقلالش دفاع کند ، اگر می خواهد خود را به استقلال اقتصادی و سیاسی و سپس فرهنگی برساند باز باید مبارزه کند ، مبارزه تشکلی لازم دارد ، مبارزه محبت میسان صفوف مبارزان لازم دارد . اینکه امام اینهمه روی وحدت کلمه تأکید می کنند این از عمق ایدئولوژی اسلامی برمی آید و برمی خیزد . این اندیشه اسلامی و توحیدی است یعنی همه متفرقات جمع شوند در زیر مرکزیت اندیشه توحید الله . یعنی همه کسانی که می توانند در یک خط قرار بگیرند در یک خط قرار بگیرند . یعنی تمام بشر بسوی مرکز الله پیش بروند . جاده تکامل را پیمایند .

این است که بزرگان گفته اند : که اسلام توحید کلمه و کلمه توحید است و افزوده اند که کلمه توحید از توحید کلمه جدا نیست . توحید کلمه قشرها را در یک جهت براه انداختن . دلها ، مغزها ، اندیشه ها ، ذهنها را یک کاسه کردن ، این از عمق اندیشه اسلامی برمی خیزد . امام بعنوان یک رهبر اسلامی است که ما را به وحدت کلمه دعوت می کند .

اینهمه انگیزه های مخالف بوجود آوردند . اینهمه صفوف را از یکدیگر جدا کردند . اینهمه چهره های موجه را - در توده مردم از اعتبار و حیثیت انداختند و برای اینکار کوشیدند . بیگمان جزئی از توطئه دشمن عظیم ما است . ملت ما باید این توطئه را بشناسد . ملت باید بداند برای او چه خوابی دیده اند . ملت ما باید بفهمد که ملت ما چه می خواهد و چه می کند و امروز در صف مقابل

ما فقط آمریکا نیست . تمام ابرقدرتها و تمام آنها تکیه می دانند که چون یک جنبش اسلامی به خدا پیوسته است ، با هیچ قدرت بزرگی همراه و صدیق نخواهد شد . همه کسانی که می دانند دست غارتگران دیگر از این مملکت باید کوتاه شود . همه این قدرتها و سلطه های جهانی ، همه این دستگاههای طاغوتی در سرتاسر عالم با شما مخالفند . شما امروز در متن یک بحران عظیم که سرنوشت ساز آینده آن ، خود شما هستید بسر می برید .

توطئه جهانی

از اینکه من حادثه را بزرگ جلوه می دهم و توطئه دشمن را همیق و عظیم می دانم در شگفت فرو نروید . ما اگر بخواهیم تمام نیرویمان بسیج شود باید عمق دشمنی را بدانیم . در مقابل آنکه با شما کاری ندارد عکس العملی نخواهید داشت ، در مقابل آنکه با شما کاری دارد اما قدرتی ندارد ، باز عکس العملی نخواهید داشت .

بدانید دشمن چه می کند دشمن ، امروز علیه ما هم توطئه سیاسی می کند هم توطئه اقتصادی و هم توطئه تبلیغاتی دشمن امروز سعی می کند ما را وابسته به خود نگه دارد .

رهبر ما بدرستی دید و گفت آن کسانی که کارخانه های ما را به اعتصاب می کشانند اگر نگویند مارکسیست هستند ، مارکسیست

نیستند آنها فریب خوردگانی هستند که دست دشمن آنها را هدایت می کند آنها همان کسانی هستند که دشمن سوگند خورده دیرینه ای که بیرونش کردید بسیجشان کرده . آن کسانی که خرمنهای ما را خرمنهای دهقانهای ضعیف ما را آتش زدند چه بودند . چه می توانستند باشند . يك انسان ، يك اندیشه ، يك فکر ، يك فلسفه . چگونه می تواند این فاجعه ها را بوجود بیاورد مسلماً جز توطئه خصمانه دشمن نیست . می خواهند نگذارند ما از آمریکا گندم نخریم می خواهند نگذارند ما برای کوچکترین اشیای خود هم دست گدایی بسوی بیگانه دراز نکنیم وابستگی در زمینه صنعتی به خارج بزرگترین فاجعه ها را برای يك ملت بوجود می آورد . در زمینه های نظامی ، زمینه های تولیدی دیگر ، وابستگی صنعتی برای يك ملت يك فاجعه است يك مرك است مرگی تلخ و دردناك ، مرگی تدریجی ، دشمن نمی خواهد بگذارد من و شما بتوانیم از همین مایه اندك صنعت نیمه كاره مونتاژمان هم استفاده کنیم . این چهار تا کارگر را هم در کارخانه به جان هم می اندازد . آنها را از کارخانه بیرون می کشد . ماجرای کارگری بوجود می آورد . يك عده جوان ساده لوح ، يك مشت انسانهای فریب خورده هم مسئله را به ریش می گیرند . خیال می کنند واقعاً جنبش کارگری است . خیال می کنند واقعاً انگیزه و ایمان است در حالی که مسئله چنین نیست واضح است که چه می خواهند بکنند .

عالم بزمان بشوید . زمان را بشناسید . جریان سیاسی حاکم

بر جو عالم را بدانید . توطئه امپریالیسم را ببینید تا بدانید که فلان کارخانه با ۱۵۰۰ یا ۲۰۰۰ کارگر چرا تعطیل می شود بسیار ساده است . فلان مزرعه چرا با آتش کشیده می شود . فلان زمین چرا از کاشتن - از محصول دادن باز می ماند . توطئه اقتصادی است . از جنبه سیاسی کوشش می کنند دولت ایران و انقلاب ایران را به انزو و بکشانند . سعی می کنند اطراف ما را با حلقه ای پولادین ببندند . سعی می کنند همسایگان ما را که بر برادران ما حکومت می کنند بجان مایندازند . سعی میکنند ما را به مرزها سرگرم کنند سعی می کنند ما را با سلاح سرگرم کنند تا از سازندگی بمانیم . سعی می کنند جبهه جدیدی بوجود بیاورند . ما را در مقابل حوادث انجام شده قرار می دهند . اینست تحلیل مسئله کردستان ، این است تحلیل مسئله ترکمن صحرا ، اینست تحلیل مسئله آذربایجان غربی . نه بنشینند فیلسوف مآبانه ریش بجنبانند و تحلیل کنند . تحلیل واضح است . امروز ما با اطلاعاتی که داریم ، با اخباری که داریم وقتی قضایا را تعقیب می کنیم می بینیم این کاراز يك دستگاه تشکیلاتی هدایت شده است . هر زمان هماهنگ در چهار گوشه ایران يك حرکت ، متشکل ارگانیک ، دارد انجام می گیرد . این کار کیست این کیست سلاح می دهد ، پول می دهد ، نقشه می دهد تحریک می کند ، پناه می دهد ؛ دولت ها را بجان مردم مرز نشین ایران می اندازد . این کیست که هل من مبارز می گوید به که ؟ به ملت ایران . کی

با ملت ایران مخالف است جز دشمن ملت ایران . جو سیاسی
 جهانی را علیه ما دارند بسیج می کنند .
 روزنامه های خارجی و مجلات خارجی در کمتر هفته ای
 است که دهها مقاله بازبانهای گوناگون با تعبیر گاههای گوناگون
 علیه انقلابمان ننویسند . سعی می کنند آن اثر عظیمی را که هجرت
 امام به پاریس داشت آن تکان عظیمی که در سطح بین المللی و
 جهانی بوجود آمد . آن تکان را جبران کنند . آن اثر را بزدايند
 مردم نمی شناختند ایران را . نمی شناختند امام را . نمی شناختند
 انقلاب ما را تا امام به پاریس رفت . پاریس تریبون
 شد برای انقلاب ایران . مردم امام را از نزدیک دیدند . خبرنگاران
 و خبرنگاران رفتند . سخن امام و ایده ذهن او و حرف دل او
 را از زبان او شنیدند .
 انقلاب ایران شناخته شد . جو جهان بسود شما مردم ایران
 تغییر کرد . این بود که دولت ها جرأت نکردند با شما مخالف
 کنند . جرأت نکردند ، دولت ها و قدرتهای بزرگ جهانی
 در مقابل موج انقلاب شما در مقابل این حرکت پر هیجان و
 پر خشم مقاومت کنند و شما پیروز شدید . امروز آن جو را می-
 خواهید از ما بگیرند . در روزنامه ها چهره ایران را مشبه جلوه
 می دهند . در مجلات خارجی ، در خبرگزاریها ، در مصاحبه ها
 در گفتارهای گوناگون بر روی نقاط ضعف حتمی و مسلم ماتکیه

های بیش از حد می کنند .
 چه کسی انتظار دارد که يك انقلاب این اندازه هم ریخت
 و پاش نداشته باشد . کدام عاقل هوشمند میتواند انتظار داشته باشد
 که يك انقلابی که بوسیله يك ملت و نه بوسیله يك حزب یا يك گروه
 یا يك جمعیت بوجود آید بتواند در اولین روزهای حیاتش
 سازمان بندی منظم و متینی مانند دولت مستقری بوجود بیاورد؟ .
 این همه کمیته ها را کوبیدند . این همه سپاه پاسداران را کوبیدند .
 این همه نهادهای انقلابی را کوبیدند . این همه بر روی نقاط
 ضعف تکیه کردند . این همه بر روی نارسائیهای تکیه کردند . این
 جزئی از توطئه جهانی است . این بخشی از حمله تبلیغاتی جهان
 است . چه کسی میتواند تضمین کند که ۳۶ میلیون جمعیت بعد از
 يك انقلاب رهائی بخش ، انقلابی که آنها را از زیر یوغ ۳۰ ساله
 و ۵۰ ساله و بتعبیر درست ۲۵۰۰ ساله خارج کرده ناگهان این
 ملت را برده می باتشکیلاتی منظم بدل کند همه کارشان روبراه ،
 بی اشکال ، بی غبار جوی صاف بوجود بیاورد . چه کسی میتواند
 این را تضمین کند .
 کدام انقلاب در دنیا این جور بود . نقاط ضعف برای انقلاب
 ما و پس از انقلاب ما برای این دولت و برای ارگانهای تصمیم
 گیرنده و اجرائی امری طبیعی بود . بر روی این نقاط ضعف تکیه
 بی نهایت و بی حسد کردند . جزئی از توطئه تبلیغاتی بود ، سعی

کردند انقلاب را دگرگون جلوه بدهند . توطئه تبلیغاتی را بداخل
کشاندند . از همه ارگانهای انقلابی انتقام گرفتند . از همه ارگانهای
انقلاب . امروز در دنیا بیشترین واحدهائی که مورد تهمت و انتقام
دشمنانند . واحدهای انقلابی اند . هیچکس در دنیا از فلان گروه
چریکی ملحد انتقاد نمی کند . هیچکس از آن سلاح بدستانی که
بسا این ملت بنام این ملت می جنگند انتقاد نمی کند . هیچکس
نمی گوید که چرا فلان آدمی که خود را روشن فکر می داند بخود
حق میدهد که در فلان واحد ، فلان مؤسسه ، فلان ارگان بزرگ
سوء استفاده مالی کند . اینها را در مورد نعمت و ایراد قرار
نمی دهند . واحدهای انقلابی را چرا . منتهی فرق این تبلیغات در
خارج که رودر و اسی با کسی ندارند بسا ادامه آن تبلیغات در
داخل که رودرو اسی های زیادی بر آنها حاکم است این است
که : آنها دشمن اصلی را یعنی شخص امام را مستقیماً قرار میدهند .
امامکاران و هم پیمانان آنها در داخل جرأت نمی کنند از احساسات
مردم از عواطف مردم از انگیزه های مردم ، از اخلاص و عشق و
شور و ایمان مردم میترسند . شخص امام را مورد هدف قرار
نمی دهند اما ارگانهای وابسته به امام را چرا بتدریج شروع کرده اند .
اول کمیته ها را کوبیدند . پاسداران را کوبیدند . تدریجاً بالاتر
آمدند ارگانهای دیگر را کوبیدند . مجلس خبرگان را کوبیدند .
شورای انقلاب را کوبیدند .

تمام حرفهائی که به امام میخواستند بزنند . همه گله مند بهائی
که از شخص امام و از خط امام و از انقلاب اسلامی دارند این
را به حساب ارگانهای وابسته باین انقلاب می گذارند . نسبت
بآنها سخن و زبان سوء می گشایند . چهره های موجه را سعی
میکنند در چشم مردم خراب کنند .

ما ملت را بیدار خواهیم کرد

بنده هشدار می دهم به همه کسانی که در این فضای آزاد امکان
حرف زدن دارند . به همه کسانی که وقتی پشت يك میکروفون قرار
گرفته اند بخودشان حق می دهند که با افکار این ملت با عشق این
ملت با آرمان این ملت بازی کنند هشدار می دهم ما ملت را بیدار
خواهیم کرد . ما توطئه شما را باین ملت خواهیم گفت : اگر فکر
می کنید ما با زور با شما روبرو می شویم این آرزو را بگور ببرید .
ما با زور با شما روبرو نمی شویم . ما با دل ، ما با منطق ، ما با
ایمان ، ما با اتکاء با احساسات این مردم و با ایمان و عشق این
مردم با شما روبرو می شویم .
این قدر انقلاب را نکوبید . این قدر این رهبر را در زیر نامش
نکوبید . این قدر نگوئید رهبر را ایزوله کردند . من آمده ام که
این سخن در همین مجلس تخطئه بشود من آمده ام که هر کس
می تواند ثابت کند که دور امام يك جدار درست کرده اند . بیاید

در این مجلس و در حضور امام من دارم میگویم او هم در حضور امام بگوید، تخطئه کند حرف مرا، بهترین چهره‌ها. فداکارترین انسانها، دردمندترین دلها، دلسوزترین شخصیتها را این گونه از دور و بر امام نتارانید. می‌گوئید امام تنها است. بخدا شما میخواهید امام را تنها کنید.

شما میخواهید امام تنها بشود امام تنها نیست. دل این امت با امام است. دلسوزترین این انسانها با امام‌اند. در اختیار امام‌اند امام تنها نیست. امام از روز اول مانند همه رهبران مانند همه پیامبران مانند همه بندگان صالح خدا بکنته فریاد بر آورد دیگران با و گرویدند. امروز این گرایش کم نشده است باز هم ملت بفریاد امام دل بسته است.

کدام جدار را اطراف امام بوجود آوردند از امام بپرسید کی رهبران حزب جمهوری اسلامی یا اعضای شورای انقلاب در اطراف امام حصار بوجود آوردند. از امام بپرسید کی گزارشها را کانالیزه کرده‌اند تا با امام بدهند. این رادیو و تلویزیون را ملاحظه می‌کنید از همه گروهها، از همه قشرها، از دانشجوی، کارگر، از این و آن دانشگاه، از فلان سندیکا یا فلان شورای کارگری، کارکنان فلان اداره و فلان وزارتخانه پیش امام می‌آیند اینها چه می‌گویند؟ با امام از چه حرف میزنند، از شهرستانها که می‌آیند از آب و هوای شهرستان به امام می‌گویند؟ یا دردها

را میگویند؟ و این همان است که امام باید بداند.

امام و سیاستمداران!

روشن فکری که در حضور هزاران نفر جمعیت فریادمی‌کشد وتوده را خطاب می‌کند و می‌گوید ای توده مردم، امام از میان شما برخاست او را از محاصره نجات دهید، همان روشن فکر در روزهای چهارم و پنجم ورود امام از پاریس مرا در مدرسه رفاه دید، گفت: فلانی، برو با امام بگو این همه خودش را به مردم ندهد. ساعتهای مدید امام میان صبح و ظهر و عصر و شب، با مردم بود. گفتم:

برادر، امام با مردم است و مردم عاشق امامند و میخواهند او را ببینند. بیک نگاه قانعند تو چکار داری؟ گفت: بگذار مغزهای متفکر و افراد سیاستمدار بروند، روزهای حساسی است با امام ملاقات کنند. بنده در جواب او گفتم که امام باین مغزهای هوشمند اعتقادی ندارد، امام باین چهره‌های سیاستمدار و سیاست باز عقیده ندارد، امام ۱۵ سال است که باین چهره‌ها «نه» گفته است، امام آرمان آنها را نمی‌پذیرد، امام از میان مردم است و ب مردم متکی است و با مردم کار خود را پیش برده است، نمی‌شود او را از مردم جدا کرد.

و همین بود من آنروز که با آن برادر حرف می‌زدم، خودم هنوز خدمت امام نرسیده و از نزدیک دست امام را نبوسیده بودم

و به نگاهی از دور قناعت کرده بودم ، میدیدم این مردم دارند می روند و می آیند ، آن چهره های برجسته ، عالی مقام ها ، شخصیت های بزرگ دلشان میخواست که امام يك دوساعت در معرض دیدار مردم قرار بگیرد و بعد همه درها را ببندند و آقایان؟! شخصیتها! بزرگان! ، سیاستمداران! ، داعیه داران! ، بیایند با احترام خدمت امام را هنمایی بشوند و امام با آنها خوش و بش بکنند و بعد نظر آنها را بخواهند و بعد آنها برای امام مصلحت اندیشی کنند . بخدا قسم اگر امام گوشش به مصلحت اندیشی شما سیاستمداران حقه باز و دروغگو بود ، ما امروز هنوز «مرك بر هویدا» نمی توانستیم بگوئیم (حضرار : صحیح است) امام چون شما را نپذیرفت و تزه های منحوس شما را قبول نکرد ، توانست امام این امت باشد . امت از شما رهبران قلابی ادعائی سالهاست پیشی گرفته است شما عقید ، آن وقت می آیند و می گویند امام را ایزوله کردند . مردم بیایید امام را نجات دهید ، شما طرفدار این نبودید که امام در میان مردم باشد ، چرا دروغ میگوئید؟ چرا میخواهید با این زبان ، امام را از مخلصترین و دلسوزترین شاگردانش جدا کنید؟ آیا سخن امام برای شما بسنده نبود؟ یکماه و نیم قبل ، کسانی از برادران و خواهران مسلمان خدمت امام رسیدند و دلسوزانه و دردمندانه به امام عرض کردند : آقا ، نمی گذارند خبرها و گزارشها به شما برسد ، خوب است شما تهران تشریف بیاورید ، تلویزیون تمام اینها و جواب امام را پخش کرد .

امام در جواب فرمودند : بنده از همه خبرها با اطلاع هستم راه خبرها به من گرفته نمی شود . این سخن امام است . زیر نام امام با تمسك به اسم امام ، اینقدر علیه امام حرف نزنید . آن رهبری که از قضایا خبر ندارد رهبریش فایده ندارد .

اگر امام نمی داند در کردستان ، خراسان و تهران ، در متن اجتماع چه میگردد ، فرمان او برای مردم قابل تمسك نیست . شما این را میخواهید ثابت کنید . شما دلتان برای امام نسوخته است . شما میخواهید ثابت کنید که فرمان امام ، اعتبار ندارد . رویتان نمی شود این حرف را بزنید از این راه ظاهر فریب و ظاهر پسند وارد میشوید و میگوئید : امام را ایزوله کردند . نه خیر ، امام را ایزوله نکردند و شما هم اجازه نمی دهند که امام را ایزوله کنید . شما از روز اول میخواستید امام را ایزوله کنید و اجازه به شما داده نشد . باز هم داده نخواهد شد (حاضرین : صحیح است).

توطئه با همه ابعاد بسوی این انقلاب در حرکت است

برادران و خواهران عزیز : توطئه با همه ابعاد ، عمق و عظمتش ، مانند کوه ، مانند توفان ، مانند موج خوردکننده ای به سوی این انقلاب در حرکت است . خودتان را بگیرید . وحدت خود را حفظ کنید . من نمیگویم بسا آن کسانی که تفنگ بدست

گرفته اند و در مقابل این ملت در سنگرها ، قلب بهترین فرزندان این ملت را هدف قرار داده و از هم دریده اند ، وحدت کنید ، من نمی گویم به آن کسانیکه بخود حق میدهند عالیترین و شریفترین مقدسات شما را به بازی بگیرند ، و به آن ریش خند بزنند ، دست وحدت و اتحاد بدهید . این اتحاد ، شدنی نیست و این را به شما پیشنهاد نمی کنیم ما به شما پیشنهاد می کنیم اختلاف سلیقه ها را کنار بگذارید .

چگونه دیروز در زیر شعار « استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی » که از سوی امام به ما القاء شده بود همه باهم راه افتادیم ؟ چگونه اختلاف سلیقه ها را کنار گذاشتیم ؟ چگونه آن به این نگفت مرتجع و این به آن نگفت تندرو ؟ امروز هم همان کار را بکنیم امروز هم همان روزگار است . و امروز ، جنگیدن و مبارزه کردن دشوارتر است . امروز مبارزه کردن ، دشوارتر است ، دیروز ، شما شیطان را در مقابل خود میدید و او را رمی میکردید . دیروز می دانستید سنگ ریزه های خدائی را به کجا بزنید . اما امروز آنچنان جبهه دشمن مه آلود و غبار گرفته است که نمی توانید بدرستی دشمن را بشناسید . امروز مبارزه دشوارتر است . یعنی هوشمندی بیشتری میخواهد . امروز مبارزه دشواریهای زیادتری دارد .

مبارزه ما با ایمان پیش رفت

از برادران عزیز ، از دوستان طلبه ، روشنفکران ، دانشجویان

کسانیکه با کتاب و قلم سروکار دارند ، بعنوان يك برادر يك انسان و کسیکه باین انقلاب علاقه مند است و نه با ادعای بیشتر ، خواهش میکنم سعی کنید این جنبش را عمق بدهید ، سعی کنید این توطئه ها را برای مردم آشکار کنید . ما نمی گوئیم با مشت به جان کسانی بیفتید که در مقابل خط شما قرار دارند . هرگز متوسل به زور نشوید . مبارزه پاك و مؤمنانه و مسلمانانه خود را مشوب نکنید ، نمسك بزور نکنید . مبارزه ما با زور پیش رفت . مبارزه ما با ایمان پیش رفت . با زبان پیش رفت . با نفسهای گرمی که از دلهای خونین بر می آمد پیش رفت مبارزه ما با تحمل سختیها پیش رفت ، باز هم بهمین وسیله باید پیش رود . مبارزه ما با مظلومیتها و قبول رنجها پیش رفت . باز هم همان گونه باید پیش برود . قلدری و گردن کلفتی نمیخواهد ما نمی رویم تا با مشت ، دشمنان خود را بکوبیم .

دشمنانی که میخواهند خود را در لباس روشن فکری و در زیر قالب روشن فکری و آزادی خواهی در آورند . ما با آنها با قوه قهریه و زور روبرو نمی شویم آرزوی این کار ناشیانه را باید بگور ببرند . ملت ما رشد پیدا کرده اند . لزومی ندارد پوسترشان را بکنند ؛ اعلامیه هاشان را پاره کنید ؛ با آنها دست به گریبان بشوید ، نه خیر ، شما زبان دارید ، این زبان میتواند حاکی از عمیقترین اندیشه های قلبی شما باشد . زبان افشاگر از شما شیر برنده ، تیزتر و برنده تر است ؛ با زبان ، پرده های ابهام را بپرید و ببردید .

سید محمد بهشتی :

نیازی به
اندیشمندان شاهنشاهی

نیست

در این قسمت سخنرانی برادر
سید محمد بهشتی را در اجتماع
کانون توحید که هشدار است به
فرصت طلبان حق ناشناس، میخوانید.

۵۸/۳/۸

برادرانی که میتوانند بنویسند ، بنویسند . برادران و
خواهرانی که میتوانند بگویند ، بگویند . ببینید چه میگویند . چه
میخواهند . ببینید چگونه تحریف میکنند ؛ تحریفهای آنها را افشا
کنید . همه چیز را بر دوش عده و جمع معدودی نگذارید .



بمن یادداشت نوشته اند که ملاحظه حال امام را که در مجلس تشریف
دارند ، بکنم . از اینکه ایشان خسته شوند ، و در مجلس رنج
ببینند ، با همه وجود ناراحت خواهم بود . مایل بودم کوتاهتر
ازین صحبت کنم . ای کاش می توانستم همه حرفهای خود را در
یکجمله بیان کنم که مجلس کوتاهتر ازین بشود . بنابر این با همه
حرفها و دردها و رنجها و توصیه ها و سفارشهایی که هست و باید
گفته شود ، شما را بخدا می سپارم .

امتیازات این انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

جامعه ما و ملت ما در دو سال اخیر موفق شد انقلاب اسلامی اجتماعی خود را شتاب و سرعت و قدرتی تازه ببخشد جهت انقلاب و شعار انقلاب و رهبری کلی انقلاب را دقیق تر مشخص کند ، سویی را انتخاب کند و به آن سو برود و به یاری خداوند و بافداکاری و جان بازی زنان و مردان با ایمان از جان گذشته فداکار و با استفاده از تاکتیک های مبارزاتی بسیار مؤثر و مطلوب و بجسا و به موقعی که بوسیله رهبری این انقلاب فراراه انقلابیون گذاشته میشود توانست با سرعت مرحله اول انقلاب را با پیروزی پشت سر بگذارد در اینجا لازم میدانم چند نکته را بیان کنم :

۱ - انقلاب اسلامی اجتماعی ما يك رویداد دو ساله نیست ریشه های این انقلاب در تاریخ ملت ما ده ها سال به جلو می رود و به خصوص در سی و هشت سال اخیر یعنی از شهریور ۱۳۲۰ به این طرف در ملت ما جنب و جوش ها ، تحركها ، مبارزه ها و درگیریهای فراوان وجود داشته ، فعالیت ها و کوششهای زیادی از طرف افراد

و گروههای مختلف وجود داشته و سابقه دارد همه این کوششها و فعالیتها زمینه اجتماعی ما را برای پیروزی انقلاب در مرحله کنونی فراهم کرده و همه افراد و گروههایی که به صورت مثبت در فراهم کردن این زمینه های گوناگون پیروزی ، خدمتی کرده اند و سهمی داشته اند خواه سهمی معمولی و خواه سهمی برجسته ، بی شک مورد تقدیر هستند ولی تقدیر ما ، تجلیل ما ، قدردانی ما از نقش مؤثر افراد و گروههای مختلف در جای خود محفوظ ، بشرط آنکه ما از يك نکته اساسی غافل نکنند و آن نکته اساسی اینست که انقلاب ملت ایران در مرحله سالهای ۴۲ - ۴۱ به بعد یعنی حوادثی که به رویداد ۱۵ خرداد سال ۴۲ انجامید نقطه عطف بزرگی را نشان میدهد و آن نقطه عطف این است که انقلاب از این سال بخصوص از ۱۵ خرداد ۴۲ به این طرف خیلی مشخص شد انقلاب اسلامی خالص ، در سالهای ۲۹ - ۱۳۲۸ ایران انقلابی بزرگ و درخشان داشت و در این انقلاب هم قشرهای مختلف مردم شرکت داشتند و هم گروه های مختلف و شخصیت های مختلف در رهبری این انقلاب نقش مؤثر داشتند و از جمله مرحوم دکتر مصدق بعنوان يك چهره سیاسی محبوب و با سابقه مطلوب و مورد قبول در میان اکثریت مردم ما توانست نقش برجسته ای را در آن مبارزه درخشان داشته باشد ولی شعار مبارزه چه بود ، ملی کردن صنعت نفت ایران ، مسلمانان در این مبارزه شرکت کردند عده زیادی

وقابل ملاحظه‌ای از روحانیون در این مبارزه شرکت مؤثر داشتند از رهبران روحانی چهره‌های معروف و برجسته‌ای در این مبارزه سهیم بودند و نقش رهبری داشتند ولی مبارزه مستقیماً و بصورت تمام عیار بر سر ایدئولوژی اسلامی و تحقق بخشیدن به نظام اسلامی نبود حتی دکتر مصدق و یاران او و همفکران او حضور شاه را پذیرفته بودند ، رژیم شاه را قبول کرده بودند ، نظام سلطنتی را بصورت مشروطه پذیرفته بودند نظرشان این بود که باید شاه سلطنت کند نه حکومت و لبه تیز مبارزه روی این بود که اولاً باید صنعت نفت ملی شود و مبارزه با استعمار در این بعد خاص حالت برجسته‌ای داشت و ثانیاً میخواستند در این مبارزه جلو استبداد را بگیرند و بگویند که باید کشور بر مبنای نظام مشروطه سلطنتی اداره شود . خوب ، وقتی ما این مبارزه را بر ایدئولوژی اسلام همان وقت عرضه میکردیم می‌دیدیم به اینکه نظام مشروطه سلطنتی بودن ، سلطنت موروثی بطور کلی بر خلاف اسلام است .

بنابر این ما اگر به همین يك نقطه خاص مهم نگاه میکردیم میدیدیم مبارزه برای ما تمام عیار اسلامی نیست ، همچنین در ابعاد دیگر ، در بسیاری از مسائل دیگر ، در حالیکه :

مبارزه تا مرز شهادت

در سال‌های ۴۲ - ۴۱ مبارزه در رویارویی با رژیم با تمام ابعادش قرار گرفت .

رژیم ایران چه از نظر مستبد بودن ، چه از نظر سلطنتی بودن ،

چه از نظر برخوردش با معیارها و قوانین نجات بخش اسلام از همه نظر مورد تعرض قرار گرفت ، رهبری مبارزه مستقیماً در دست برجسته‌ترین چهره‌های روحانی و در سطح عالیترین مقام روحانیت یعنی مرجع تقلید قرار گرفت .

امام خمینی بعنوان پیشگام مراجع تقلید و روحانیون دیگر همراه با ایشان وارد مبارزه شدند . روحانیت در سرتاسر ایران حالت بسیج تقریباً عمومی بخود گرفت مبارزه با رژیم فقط در تهران و شهرها نبود بلکه به سطح روستاها کشانده شد کارگر ، کشاورز ، پیشه‌ور ، دانشجو ، روحانی همه با هم مبارزه میکردند با رهبری عالیترین مقام روحانیت و آن رهبر روحانی که نقش اول را در رهبری مبارزه داشت . کسی بود که در نوشته‌های خیلی پیشینش که چاپ هم شده بود اصلاً حالت آشتی ناپذیری خودش را با این رژیم اظهار کرده بود و افشا کرده بود و بیان کرده بود و راهی را انتخاب کرده بود که در این راه ملت باید برود به سمت اینکه باید این رژیم را واژگون کند به این ترتیب مبارزات ملت ایران از سال ۴۱ به این طرف يك مبارزه تمام عیار اسلامی بود که همه چیز دیگر را در داخل اسلام داشت و به شرط اسلام داشت . ملت برای آزادی مبارزه میکرد در سال ۴۲ - ۴۱ اما در لوای اسلام و در چهار چوب اسلام : نه آزادی در شکل دمکراسی غربی و نه آزادی در شکل دمکراسی کشورهای سوسیال

دمكرات بلوك شيرق ، آزادی در چهارچوب قرآن .

ملت دنبال بهبود وضع اقتصادی اش بود برای بهبود وضع اقتصادی اش مبارزه میکرد ولی نه بهبود وضع اقتصادی بعنوان يك هدف مادی فقط ، بلکه بهبود وضع اقتصادی در چهار چوب يك زندگی اسلامی ، که انسان در عین حال که از زندگی و لوازم و ضروریات زندگی بهره می برد در عین حال حرکت الی الله و سیر تکاملی انسانی خودش را به رفاه مادی متوقف نمیکنند ، بهمین دلیل میدیدید که کسان زیادی تا مرز شهادت در این مبارزه و این انقلاب شرکت میکردند بی آنکه بدنبال دستاورد اقتصادی برای خودشان باشند ، و بی آنکه انگیزه اقتصادی آنها را بر انگیزد انقلاب از سطح انگیزه اقتصادی و آزادیخواهی اوج گرفته بود و بالاتر آمده بود ، انگیزه خدا خواهی و انگیزه خدمت به خالق خدا در راه رضای خدا جانشین انگیزه های قبلی یعنی انگیزه آزادی-خواهی یا رفاه اقتصادی خواهی شده بود .

باز هم تکرار میکنم نه بدان معنی که مردم عدالت اقتصادی نمی خواهند بلکه بدان معنی که همه این ها را در چهارچوب اسلام و قرآن میخواستند و همراه با فضیلت دوستی و عشق به حق و خیر و عدل میخواستند ، این خصلت تازه و نقطه عطف نیرومندی بود در انقلاب ملت ما و از آنجا که رهبری قاطع و رهبری نخستین در این مبارزه و در آن نقطه عطف بوسیله يك مرجع بزرگ تقلید و

يك استاد بزرگ حوزه که هزاران شاگرد برجسته فعال در سرتاسر ایران داشت انجام میگرفت .

او بود رهبر این مبارزه ، مبارزه بسرعت به سمت توده ها رفت و توده ها را در مسجد و حسینیه و همه جاهای دیگر به مبارزه کشاند و توانست زمینه آن چیزی را که ما همیشه آرزو میکردیم که مسجد نه فقط جایگاه نماز و ذکر باشد بلکه جایگاه بسیج نیروهای جهاد هم باشد ما را به این آرمان نزدیک میکرد آن هم در سطح گسترده ، وقتی ما این نقطه عطف را در این مبارزه با دقت شناسائی کنیم آن وقت به این واقعیت اجتماعی پی میبریم که انقلاب کنونی ملت ایران که ادامه انقلابی است که از سال ۱۳۴۱ با رهبری رهبران عالیقدر روحانیت و بخصوص رهبری قاطع امام شروع شده و ادامه پیدا کرده مقطع جدیدی است در تاریخ انقلاب ملت ایران ، مقطعی جدید با ویژگیهای خودش .

نگرانی امام ...

در این ایام و در این روزها رهبر عالیقدر مبارزه امام خمینی نگران آن شده اند که گروه های اجتماعی دیگر که آنها هم مبارزه داشته اند و مبارزه کرده اند ، آنها هم سابقه های طولانی مبارزه دارند و سوابقشان را نمیخواهیم نادیده بگیریم .

آن ها بخصوص در ط ————— ول دو سال اخیر البته

در سالهای قبل هم برخی از این گروه‌ها آمده بودند بمیدان این مبارزه ولی بخصوص در طول دو سال اخیر آمدند و به صفوف انقلابیون با آرمان خالص اسلامی پیوستند ، اینها بخواهند در مرحله جدید از مبارزه ما بار دیگر مبارزه و انقلاب ما را که در مقطع جدید خصلت و ماهیت کاملاً اسلامی پیدا کرده ، بکشانند به سمت آن نوع رهبری و آن نوع اندیشه اجتماعی و آن رنگی از مبارزه که قبل از سال ۱۳۴۱ داشت بخواهند بار دیگر مبارزه تمام عیار اسلامی ما را صرفاً يك مبارزه ملی ، يك مبارزه لیبرالیستی ، يك مبارزه برای دستیابی بر رفاه بیشتر اقتصادی و امثال اینها کنند این نگرانی در ایشان بوجود آمده است .

دلایل این نگرانی مفصل است نمی‌خواهم در این وقت کوتاه آنها را مطرح کنم ولی ایشان رهبرند و در ایشان این نگرانی بوجود آمده است بدلیل این نگرانی در این ایام اخیر ، بمناسبت‌های گوناگون تاکید می‌کند . قبلاً هم این تأکید را داشته‌اند اما در این ایام بصورت مکرر تأکید می‌کنند که ما و ملت ما و انقلاب ما در این مقطع اخیر ، انقلابی است صرفاً خواستار تحقق یافتن نظام حق و عدل اسلامی بصورت خالص و اصرار دارند که وقتی در این مقطع نیروهای عمده انقلاب نیروهایی هستند که با انگیزه اسلام و بارهبری اسلامی به میدان مبارزه و شهادت گام نهاده‌اند باید این انگیزه و این خصلت و این ویژه‌گی نگهبانی شود و

میگویند آوردن هر تعبیر دیگر جز جمهوری اسلامی این نگرانی را بیشتر میکند که مبادا مبادا دستی در کار باشد که بخواهد جهت قاطع و روشن این انقلاب را ، و رهبری قاطع و روشن انقلاب را تغییر دهد ، چون در این تغییر بی‌شک این بیم و نگرانی وجود دارد که اصولاً اصل انقلاب به خطر بیفتد . چرا ؟

برای اینکه تجربه تاریخی ایران به همه شماها نشان داده که انقلابهای قبلی ، مبارزات قبلی به پیروزی قاطع نیانجامید چون شعاری که انتخاب کرده بود و آرمانی که انتخاب کرده بود متناسب با شعار و آرمانیکه در دل و جان اکثریت مردم ما ریشه دارد نبود ، چون رهبری‌های قبل نتوانسته بودند بنحوی درک کنند که اکثریت این ملت برآستی خواهان چیست . اگر تشخیص صحیح رهبری قاطع انقلاب در دوران اخیر و این مقطع اخیر از سال ۴۱ تا امروز عامل مؤثری در پیروزی این انقلاب در مرحله نخستین بوده همین تشخیص و همین شعار و همین رهبری است که میتواند عامل مؤثر و ضامنی برای تداوم انقلاب در مراحل بعدی باشد .

خطری که نهضت را تهدید میکند

شما خودتان میدانید که اگر انقلابی در مرحله اول پیروز شد ولی در تداوم تغییر جهت داد خود بخود چه خطری سر راه اوست ؟ شکست .

اگر اصالت انقلاب و انگیزه‌های انقلابی حفظ نشود چه ضامنی برای این تداوم انقلاب در مراحل بعدی وجود دارد؟ چه ضامنی وجود دارد که در مراحل بعدی دشمن‌ها از راه دیگر وارد نشوند و انقلاب را به نابودی نکشانند؟

حساسیت ایشان (امام خمینی) در مورد اسلامی نگهداشتن انقلاب بصورت کامل و محکم نگهداشتن پیوند انقلاب با روحانیت مؤمن مبارز متعهد آگاه بدین جهت است. بدین جهت است که به همان دلیل در این مقطع زمانی حضور این دو عامل نقش بنیادی و قاطع و تعیین کننده در پیروزی انقلاب و بشمر رسیدن همه گروه‌ها داشته است در تداوم آن نیز این دو نقش تعیین کننده خواهد داشت. نگرانی ایشان این است که يك عده میراث‌خوار انقلاب با به میدان بگذارند و بگویند انقلابی که تحت تأثیر این دو عامل قاطع تعیین کننده بشمر رسید حالا میراثش را بگذارید در اختیار ما، ما می‌خواهیم او را ادامه بدهیم این البته جای نگرانی است و متأسفانه ما سر و کله این میراث‌خوارها را در این ماه‌های اخیر به شکلهای گوناگون در کنفرانس‌ها، در سخنرانی‌ها، در مقالات و نوشته‌ها و در مجامع دیگر مکرر می‌بینیم و روز بروز نگرانی ایشان بیشتر می‌شود و من فکر می‌کنم نگرانی همه شما خواهران و برادران انقلابی هم علی‌القاعده بیشتر شده باشد.

مطلب اساسی این است انقلاب ملت ما که به بهای رنج‌ها،

شکنجه دیدنها، زندان رفتن‌ها، آسیب دیدن‌ها، شهادت‌ها، خون‌دادنها، یتیم شدن‌ها، فرزند از دست‌دادنها، پدر از دست دادن‌ها، مادر از دست دادن‌ها، برادر و خواهر از دست‌دادنها، اعتصاب‌های شکننده خردکننده، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر افراد و گروه‌های پیشتاز و پیشگام در مرحله نخستین بشمر رسیده است این انقلاب باید همچنان در مجرای اصلیش باقی بماند این است مسئله اصلی.

حالا ما از این تحلیل‌گران می‌پرسیم آیا شما بالاخره این انقلاب ما را اسلامی میدانید یا نه؟ اگر این انقلاب را اسلامی میدانید که بسیار خوب بفرمائید مثل گذشته در متن این انقلاب قرار بگیرید و در جای خودتان به پیش بروید و اگر این انقلاب را اسلامی نمیدانید پس بدانید که جامعه ما، جامعه انقلابی ما، انقلابیون ما و رهبران انقلاب ما نمی‌توانند و حق ندارند اجازه بدهند که شما در این انقلاب و میدان انقلاب نفوذ کنید و اگر رهبری قاطع موفق انقلاب را مربوط به امام و روحانیت مبارزو آگاه و همه قشرهای مبارزو آگاه دیگر، تحصیل کرده‌های مومن و مبارز و آگاه، کارگران و کشاورزان مؤمن و مبارز و آگاه، پیشه‌وران و بازاریبان مبارزو مؤمن و آگاه، فرهنگیان، دانشگاهیان، دانشجویان و دانش‌آموزان. اگر شما رهبری را مربوط به این خط میدانید که در مسیر این خط امام خمینی قرار

دارد و بدنبالش همه این قشرها . روحانی و غیر روحانی ولی همه مومن به انقلاب اسلامی و برهبری متکی بر انقلاب اسلامی . اگر رهبری را توی این خط میدانید خوب بفرمائید بیایید اگر مؤمن به خط انقلاب و مؤمن به رهبری انقلاب هستید کسی با شما حرفی ندارد انتقاد کنید . کی گفته انتقاد نکنید ؟ عیبها را بشمارید بگوئید و عیبها را برطرف کنید ولی یادتان نرود که این انقلاب يك انقلابی بود سازش ناپذیر و رهبری اش رهبری بود که هیچگاه شعارش راها نکرد ، رهبری ، رهبری بود که بیرون از کشور و بعد در داخل کشور محکم سر حرفش ایستاد و اگر نیاستاده بود ما در اینجا نبودیم .

اگر شما در این خط انقلاب و بدنبال این رهبری انقلاب می خواهید حرکت کنید اهلا و مرحبا بفرمائید بحثی نیست انتقاد هم بکنید عیبها را هم بگوئید ، فقط عیب نگوئید و لنگاری فقط نکنید بیایید کمک کنید عیبها را برطرف کنیم و اگر غیر از این هستید در هر لباس که باشید ، در هر سمت که باشید و با هر عنوان که باشید جامعه انقلابی ما و خط انقلاب ما و رهبری انقلاب ما حق دارد به شما با دیده شك و تردید نگاه بکند . در برابر نقش شما حساسیت نشان بدهد و اگر غیر از این بکند خود او اصلا به انقلابش خیانت کرده است ، به انقلاب ملت ما خیانت کرده است خط را نگهداشتن ، جهت را نگهداشتن ، رهبری را نگهداشتن

مسئله شوخی نیست در انقلابات دنیا .

یاوه گوئی دشمن دوست نما

مسئله ای که میخواهم اینجا مطرح کنم این است : بنده امروز در روزنامه کیهان (۵۸/۳/۷) در صفحه سوم يك سخنرانی دیدم مربوط به اجتماع کنگره وکلای دادگستری ، در ستون دوم از صفحه سوم در آن اواسط ستون سخنرانی گفته است که : « اگر ما فکر کنیم تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضائی را میتوانیم در قالب اسلامی بسازیم آیات عظام هم میدانند این امر در شرائط حاضر نه مقدور است نه ممکن و نه مفید » . من در این مجمع شما تحصیل کرده های کشور ، خواهران و برادران و در مجمعی که عده قابل ملاحظه ای هم خوشبختانه از فضیلت روحانی جوان حضور دارند ، یعنی مجموعه ای است درست تمام عیار از تحصیل کرده های مبارز این کشور معمم و غیر معمم ، زن و مرد ، این سؤال را میکنم فردیا گروهی که این دید را در رابطه ما با اسلام دارد آیا نسبت به انقلاب پیروزمند ما در این مقطع اخیر خودی است یا بیگانه (مردم با فریاد : بیگانه ، بیگانه ، بیگانه) بنده نمی گویم آقا شما حق نداری حرفت را بزنی ملاحظه کنید ما نه استبداد و خفقان داریم در کشور و نه چیزی شبیه آن ولی حق داریم که این مطلب را صاف و پوست کنده بیان کنیم که افراد و گروهها هر

چند مبارزاتی داشته‌اند ، هر چند زندانها رفته باشند ، هر چند تلاشهایی با سابقه‌های سی و چهل سال داشته باشند میتوانیم مسا این سؤال را مطرح بکنیم که آیا این افراد و این گروه‌ها رابطه‌شان امروز با انقلاب اسلامی ملت ما و رهبری انقلاب چیست . میخواهیم این را روشن کنیم . یا نه حق نداریم ؟ من این سؤال را دوست دارم بر ملت ایران عرضه کنم بر خانواده‌های شهدای انقلاب ایران در این مقطع اخیر عرضه کنم و بگویم ای ملت مبارز انقلابی بپا خاسته ایران ، ای خانواده‌های شهیدان در راه خدا من سختم با اکثریت قاطع شمامست ، از آن اکثریت قاطع انقلابی بپا خاسته می‌پرسم فرد یا گروهی که در تعریف و رابطه با انقلاب تو میگوید « اگر ما فکر کنیم تمام مسائل سیاسی و اقتصادی و قضائی را می‌توانیم در قالب اسلامی بسازیم آیات عظام هم میدانند این امر در شرائط حاضر نه مقدور است نه ممکن و نه مفید » آیا تسو ای اکثریت قاطع ملت انقلابی و ای نسل جوان انقلابی و ای روحانیت انقلابی متعهد مبارز و ای دانشگاهیان انقلابی متعهد مبارز و ای کارگران و کشاورزان و پیشه‌وران و زنان و مردان و فرهنگیان و کارمندان مبارز انقلابی آیا چنین افراد و چنین گروههایی را در رابطه با خط انقلابی‌ات خودی میدانی یسا بیگانه (حاضرین یکصدا : بیگانه ، بیگانه ، بیگانه) خوب حالا توجه بفرمائید مسئله اساسی این است که همین آقای گوینده این سخن ، و همفکرانش

در مبارزات ملی گذشته ما ، این‌ها به پاریس آمده بودند تا امام خمینی را تا رهبر عالیقدر ملت انقلابی ، رهبر عالیقدر ما و شما را همه‌مان را به خیال خودشان قانع کنند که ایشان بپذیرند که راه حل بحران سیاسی و اجتماعی ایران قبول کردن انتخابات آزاد بختیار با قبول رژیم است !!

مطلب من با این افراد و این گروه‌ها این است اقلا بگذارید ماها بمیریم ماها که از نزدیک در بحث‌ها تان بوده‌ایم دیگر نباشیم بعد بیایید خودتان را بعنوان متولیان انقلاب ایران جا بزید بحث‌هایی بوده است خود من حضوراً در آن‌ها شرکت داشته‌ام که این آقایان تأکید داشتند که پافشاری امام در نبودن شاه بیجا و یک آرمان‌ایده‌آلیستی است ! وقتی بعد یک پله تنزل کردند گفتند خیلی خوب حالا شاه هم نباشد ولی ایشان شورای سلطنت و ولیعهد و انتخابات آزاد زیر نظر شورای سلطنت را قبول کنند !! و در این مسئله پافشاری و تأکید داشتند حالا اگر رهبر انقلاب نگران آن باشد که این آقایانی که در همین پنج شش ماه قبل در پاریس حضوراً این بحث‌ها را مطرح میکردند و قبل از آن با خودبنده و جمع دوستان در ایران مکرر مطرح میکردند مبادا این‌ها بخواهند انقلاب اسلامی ما را به سمت یک دموکراسی غربی ، یک لیبرالیسم غربی ، یک سوسیال دموکراسی شرقی یا یک لیکوش نه شرقی نه غربی بکشانند اگر ایشان نگران بودند و حساس بودند جا دارد این

حساسیت و این نگرانی ایشان یا جا ندارد؟

بجاست این حساسیت ایشان. منتها ایشان حساسند ملت انقلابی ما حساس است. الان نوشته اند که در مورد این مقاله عده زیادی تلگراف نموده و از ایشان تقدیر نموده اند این ها دیگر بیشتر نشانه این است که يك گروه اقلیت روشنفکر مآب و روشنفکر نما می خواهند با این بازبها بادست آورد انقلاب خونین اسلامی ما موضع گیری تازه داشته باشند که برای ما عواقب آن معلوم است.

باید هشیاری خود را حفظ کنیم:

امروز روی سخن من با ملت انقلابی ایران است اعلام می کنم ملت عزیز انقلابی مسلمان هشیار باش افراد و گروه هایی بادیدهای خودشان که به هر حال قابل قبول من و تو، نیست مورد قبول ما ها نیست، بدلیل اینکه زندان بوده اند، بدلیل اینکه در مبارزات ده ها سال است شرکت داشته اند، بدلیل اینکه با مرحوم دکتر مصدق پیوند و رابطه و دیدار داشته اند، این ها نغمه هائی را آغاز کرده اند که این نغمه ها برای انقلاب ما انقلاب تو و جهت اسلامی انقلاب تو خطرناک است، آگاه و هشیار و مصمم باش که میدان را برای گسترش این نغمه ها باز نگذاری، نظر و تصمیمت را به هر صورت که میتوانی در برابر این نغمه ها نشان بده ...

اگر تو براستی این گونه سخنسان را که میگوید «اسلام نمیتواند راه حل مشکلات سیاسی و اقتصادی و قضائی تو باشد» قبول نداری از همین فردا مثل روزهای انقلاب بکوچه و خیابان بیا و باشعارهایت و با تظاهراتت و با هر وسیله سالم که داری نشان بده که این رهنمودها را برایش پیشیزی ارزش قائل نیستی.

این آقایان یادشان رفته است که ما در پنج ماه قبل باشما ملت عزیز راه پیمائی های چند میلیونی در سراسر کشور داشتیم باید به یادشان بیاورید من فعلا نمی خواهم بگویم اینها خائند یا نه باید اینها محاکمه شوند تا معلوم شود باچه انگیزه ای می گویند اسلام نمی تواند راه حل باشد، اگر صرفاً يك اظهار نظر است، اظهار نظر آزاد است. در این مملکت کسانی هستند که می گویند اصلا خدا نیست و ما هم متعرض آنها نیستیم ولی اگر بیش از يك اظهار نظر باشد اگر بخواهد مسئله آغاز يك توطئه باشد هشدار باش میدهیم ما با همان آمادگی که در طول انقلاب برای شهادت افتخار آمیز در راه خدا داشتیم در برابر این توطئه ها با همان روحیه حتی گرمتر و داغتر و صمیمی تر و مصمم تر آماده هستیم، (مردم: صحیح است، صحیح است، صحیح است) شما خیال کردید با يك کنگره چند صد نفری با نام دهان پر کن حقوقدان و وکلای دادگستری میتوانید جامعه انقلابی ما را مرعوب کنید؟ شما خیال کردید که حقوقدان در این مملکت منحصر به این چند نفر است که

آنجا گرد آمده اند؟ شما فکر کرده اید که اندیشمندان کشور
منحصر در این گروههای معدود هستند. مبادا، مبادا کنگره های
شما نسخه دوم کنگره های اندیشمندان شاهنشاهی باشد و نگران
آن هستیم که اگر پرونده این گردآمدگان را يك بررسی کنیم در
میان آنها و در صفوف آنها نام آن اندیشمندان را هم مکرر
بیابیم البته رسیدگی خواهیم کرد.

ملت عزیز و مسلمان ایران بپاخیز بار دیگر بیعت و پیمانت
را باره بر عالیقدر اسلامی ات تجدید کن که در هر گذر انقلابی گاهی
نیاز داری به تجدید این پیوند و پیمان تا دشمنان و خائنان یا
روشنفکرهائی که نه دشمنند و نه خائن، اما جد است راه آنها از
راه انقلاب تو بدانند که انقلاب اسلامی تو متولیسانی این چنین
نیاز ندارد.....